

آیا سود بانک‌ها و موسسات مالی اعتباری ریاست؟

بسیار دیده شده برخی افراد با شبهه ربوی بودن عملیات نظام بانکی از سپرده‌گذاری در بانک‌ها و موسسات مالی اعتباری یا دریافت تسهیلات خودداری می‌کنند.



بسیار دیده شده برخی افراد با شبهه ربوی بودن عملیات نظام بانکی از سپرده‌گذاری در بانک‌ها و موسسات مالی اعتباری یا دریافت تسهیلات خودداری می‌کنند.

البته شاید رقابت درگرفته میان بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی به منظور پرداخت سود بیشتر به سپرده‌گذاران و جذب سپرده بیشتر در بروز این انتقادات بی‌تاثیر نباشد؛ اما آیا واقعا نظام بانکی کشورمان ربوی است؟ اساسا احکام مترتب بر قراردادهای منعقد شده در این سیستم و نیز سپرده‌گذاران و گیرندگان تسهیلات چیست؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها لازم است قدری ریشه‌ای‌تر در این خصوص بحث کنیم.

قرارداد ربا در اسلام تعریف مشخصی دارد و جزو گناهان کبیره به شمار می‌رود تا جایی که در ردیف جنگ با خدا و پیامبر خدا شمرده شده است.

گناه ربا در میان فروع دین جزو بزرگ‌ترین گناهان است و این مساله همیشه در طول تاریخ مورد اتفاق نظر بوده است اما این که چه نوع معاملاتی ربوی محسوب می‌شود يك مساله بسیار دقیق است که گاهی اشتباهاتی در این خصوص رخ می‌دهد.

بعضی افراد به دلیل ناآشنایی با فقه اسلامی معاملاتی را بی‌جهت به ربا تشبیه می‌کنند، کما این که برخی برعکس با اسم‌های مختلف سعی می‌کنند معاملات ربوی را حلال جلوه دهند.

یکی از مواردی که از نظر دین اسلام امکان ربا در آن وجود دارد قرض است که نباید شرط سود در آن وجود داشته باشد. هر نوع شرط سود - زیاد یا کم، ثابت یا متغیر - در قرارداد قرض، ربا محسوب می‌شود اما اگر موضوع قرارداد، قرض نباشد و خرید و فروش، شرکت، مضاربه یا سایر قراردادهای باشد شرط سود اشکالی ندارد و از نظر اسلام پذیرفته شده است.

با وجود این برخی به اشتباه فکر می‌کنند هر نوع شرط سود در معامله ریاست. در حالی که در اسلام هم معاملات با سود داریم و هم بدون سود.

نکته دوم این که بعضی فکر می‌کنند بالا یا پایین بودن نرخ سود علامت ربوی بودن یا نبودن است. در حالی که در اسلام اگر فقط کل موضوع قرارداد قرض باشد، هر اندازه سود به معنای ریاست اما اگر موضوع قرارداد شرکت یا مضاربه بود کم یا زیاد بودن سود آن ربا نیست، اما ممکن است اشکالات دیگری از نوع اجحاف بر آن مترتب باشد.

نکته سوم این که ربا در زمانی اتفاق می‌افتد که قرض دهنده شرط کند و قرض گیرنده بپردازد. اما اگر قرض دهنده شرطی نکرد و قرض گیرنده به عنوان تشکر زیاده از قرض دریافتی، پرداخت این نه تنها ربا نیست، بلکه براساس فقه اسلامی مستحب است. به این ترتیب در بیشتر موارد نیت واقعی دو طرف ربا بودن یا نبودن قرض را مشخص می‌کند.

ربا و نظام بانکی

اما در بحث بانکداری دو نوع معامله داریم؛ یکی سپرده و دیگری تسهیلات بانکی. در بخش سپرده‌ها طبق قانون بانکداری بدون ربا دو نوع سپرده داریم؛ اول جاری و پس انداز و دوم سرمایه‌گذاری.

ماهیت قرارداد حساب‌های جاری قرارداد قرض است و نمی‌توان شرط سود در آن تعیین کرد، اما در سپرده‌های سرمایه‌گذاری چون نوع قرارداد، وکالت است داشتن سود اشکالی ندارد.

در حقیقت در دیدگاه اسلام قرارداد وکالت يك قرارداد با سود است که فرد، بانک را وکیل خودش کرده که منابع مالی و سرمایه‌ای او را در فعالیت‌های اقتصادی به کار بگیرد.

بانك هم بايد تسهيلات سود آور پرداخت کرده و بخشی از سود را به عنوان حق الوكاله بردارد و بخشی را به عنوان سود به سپرده گذار پرداخت کند. بنابراین، این که مردم پولشان را برای کسب سود در بانك ها یا موسساتی که سپرده سرمایه گذاری می پذیرند سرمایه گذاری می کنند، از نظر شرعی حلال است.

اما گروه دوم معاملات بانکی، تسهيلات است که در سه گروه اعطا می شود. یکی از آنها قرض الحسنه است که در وام قرض الحسنه بانك حق ندارد سودی دریافت کند. تنها چیزی که اجازه داده شده دریافت هزینه عملیات است که تحت عنوان کارمزد دریافت می شود.

این کارمزد هم طبق آیین نامه بانك مرکزی بین 2.5 تا چهار درصد تعیین شده است، مشروط بر این که هزینه عملیات کمتر از این نباشد.

یعنی اگر هزینه يك صندوق یا بانك در حد يك درصد باشد نمی تواند با استناد به آیین نامه بانك مرکزی 2.5 یا چهار درصد کارمزد دریافت شود و حتما باید در همان حد بگیرند.

گونه دوم تسهيلات بانکی، معروف به عقود مبادله ای است که بانك در آن در نقش يك تاجر ظاهر شده و کالایی را خرید و فروش می کند یا دارایی های بادوام را اجاره به شرط تمليك می دهد یا خرید و فروش سلف یا دین انجام می دهد. در این قراردادها از نظر اسلام داشتن سود اشکالی ندارد.

قراردادهای خرید و فروش از دیدگاه اسلام قراردادهای انتفاعی است که بانك می تواند برای خودش سود در نظر بگیرد. در این قراردادها مساله مهمی که بانك ها و مشتریان باید به آن توجه داشته باشند این است که معاملات باید واقعی باشد. یعنی واقعی کالایی خرید و فروش شود یا خدماتی ارائه شود، وگرنه انجام صوری معامله مصداق ریاست.

گروه سوم قراردادهای عقود بانکی، اصطلاحاً سرمایه گذاری ها یا مشارکت هاست که بانك گاهی با فعالان اقتصادی در فعالیت اقتصادی آنها مشارکت می کند، گاهی هم مشارکت حقوقی با صاحبان سهام انجام می دهد یا گاهی هم تسهيلات مضاربه می دهد.

در این قراردادها بانك به عنوان تاجر عمل نمی کند، بلکه به عنوان يك سرمایه گذار وارد می شود و شريك سرمایه گذار یا صاحب سرمایه یا شريك فعال اقتصادی می شود و از نظر اسلام دریافت سود در این موارد هم اشکالی ندارد.

اما دو نکته باید هم از سوی بانکدار و هم گیرنده تسهيلات در این بخش رعایت شود. نکته اول این که واقعا باید يك فعالیت اقتصادی واقعی برای این مشارکت یا مضاربه انجام شود و نکته دوم این است که قرارداد به گونه ای تنظیم شود که سود تحقق یافته از آن فعالیت بین بانك و مشتری تقسیم شود؛ نه این که سود به مشتری تحمیل شود یا این که برعکس مشتری با دادن سود اندکی با بانك تسویه حساب کند، در حالی که خودش سود کلانی کسب کرده است، اما اگر بانك یا مشتری این موارد را رعایت نکنند از نظر شرعی دچار اشکال است و تصرف در اموال به شمار آمده و بعضی جاها منتهی به خوردن مال باطل یا بعضی جاها هم مصداق ربا می شود.

در اینجا بد نیست اشاره ای هم به موسسات مالی و اعتباری داشته باشیم که در رقابت با سایر بانك ها اقدام به پرداخت سودهای بیشتر به منظور کسب سپرده و در نتیجه درآمد بیشتر می کنند.

اگر موسسه ای به علت این که سرمایه گذاری هایش را در جاهایی با سود بالا انجام می دهد، می تواند سود بالایی به سپرده گذاران بدهد، این اشکالی ندارد. اما يك زمان احساس می شود چنین موسساتی واقعا در فعالیت هایی با سود بالا سرمایه گذاری نمی کنند، بلکه برای حذف رقبا و با صورت سازی، سود بالا می دهند، می تواند مصداق ربا باشد.

نکته مهم دیگر این است که اگر احساس شود بانکی نسبت به مسائل شرعی سهل انگاری می کند، نمی توان آن بانك را وکیل خود قرار داد البته تا زمانی که این مساله به صورت شك باشد شریعت گفته باید حمل به صحت کنیم. اما اگر آشکارا اثبات شود که بانك به این مسائل اهمیت نمی دهد یا آگاهی ندارد نمی توان آن بانك را وکیل خود قرار داد.

سید عباس موسویان - عضو کارگروه بانکداری بدون ربا